

# دکتر محمد مصدق

برهم زنده نظام بازرگانی نفت در ایران و جهان  
(بخش پنجم)

محمد حسینی

8 مردادماه 1386 برابر با 30 ماه جولای 2007

در بخش چهارم این نوشتار، به قسمتی از متن سخنرانی زنده یاد دکتر محمد مصدق در جلسات شورای امنیت سازمان ملل توجه کردیم. اکنون به ادامه سخنان آن بزرگمرد در این سند افتخار آمیز به شرح زیر توجه می کنیم. جای بسی تأسف است که جهانیان دائم در احترام به او و حقانیت ایران بر اساس گفتار و کردار او سخن ها می گویند و مقاله ها می نویسند، اما ما ایرانیان او را چنان که شایسته او و بایسته رهائی کشورمان است او را نشناختیم و راه او را پی نرفتیم. [بازنویسی عینا از روی مندرجات جلد اول «کتاب اسناد سخن می گویند!» پژوهش و برگردان دکتر احمدعلی رجانی و مهین سروری \(رجانی\):](#)



2. یک قرارداد خصوصی نمی تواند ملت را از اعمال حق حاکمیت خود محروم کند.

آقای الهیار صالح یکی از اعضاء هیئت ایران بئیه نطق آقای دکتر مصدق را قرائت کرد. در این نطق اشعار شده بود که:

موضوع مهم و اساسی این است که شورای امنیت صلاحیت رسیدگی به مسأله نفت ایران را ندارد.

منابع نفت ایران مانند خاک رودخانه ها و کوه های آن به ابران تعلق دارد و مالک حقیقی آن ملت ایران است.

فقط این ملت صلاحیت دارد که به اینگونه مسائل و چگونگی آن رسیدگی کند و هیچ وقت حاضر نبوده و نخواهد بود که کسی را در این موضوع شریک و سهم بداند و نیز حاضر نیست که حق مالکیت خود و همچنین محصولی که از آن به عمل می آید با کسی تقسیم کند.

ملت ایران حاضر نیست قضاوت در این زمینه را به محکمه و یا شخص دیگری که خارج از ایران باشد محول کند.

در نطق نخست وزیر ایران در خصوص تصمیم ملت ایران دایر بر ملی کردن صناعت نفت آن کشور و تصویب این تصمیم از طرف نمایندگان منتخب ملت توضیحاتی داده شده بود.

در قانون ملی شدن صنعت نفت که در 20 مارس سال 1951 و سی آوریل 1951 از طرف مجلسین ایران به تصویب رسیده حاوی یک عده شرایط و مواد سخاوتمندانه ای است که به شرکت سابق نفت ایران و انگلیس فرصت های وسیعی می دهد.

این موضوع کاملاً نشان می دهد که اتهامات طرف ما دایر بر این که عمل دولت و ملت ایران به منزله مصادره اموال شرکت سابق می باشد بی اساس بوده و جز اتهام برای فریب عقیده عمومی چیز دیگری نیست.

دستگاه قانونگزاری ایران همچنین سعی کرده است که توجه خاصی به منافع مشتریان سابق نفت ایران مبذول دارد.

در قانون مصوب 30 آوریل ذکر شده که مشتریان سابق نفت ایران حق دارند که از همان مقدار نفت که سابقاً از شرکت سابق خریداری می کردند با قیمت جاری بین المللی از ایران خریداری نمایند ضمناً در مورد خرید نفت ایران به آن ها حق تقدم داده شده است.

آقای صالح سپس به قرائت نطق نخست وزیر ایران ادامه داده گفت دولت ایران با شرایط مذکور سعی کرده است که با دولت انگلیس یک قرارداد طویل المدتی برای فروش نفت ایران امضاء کرده و نیز حاضر شده بود کارشناسان انگلیسی را مجدداً استخدام و به آن ها اختیارات وسیعی بدهد تا بتوانند به طرز مطلوبی امور فنی صنعت نفت ایران را اداره کنند.

بنابراین اتهامات انگلستان دایر بر این که اقدامات دولت ایران «شتاب زده» و «زیان آور است» مورد ندارد.

اقدامات ایران معلول احساسات کورکورانه و تنفر نسبت به یک دولت و یا ملت بیگانه نبوده است. ما هیچ وقت سعی نکرده ایم که به قول انگلیسی ها «انتحار اقتصادی» بکنیم و یا «مرغی را که تخم طلائی می گذاشت» بکشیم.

مسئله نفت ایران صرفاً یک مسئله داخلی است. اصل عدم مداخله در امور داخلی هر کشوری از جمله اصولی است که منشور ملل متحد درباره آن صراحت دارد.

استخراج، بهره برداری و به مصرف رساندن نفت ایران نیز از جمله مسائل داخلی ایران می باشد.

دولت ایران با ملی کردن نفت خود و اداره آن روی اصول و اساس نوینی که به نحو بهتری رفاه و سعادت مردم ایران را تضمین کند کوشش کرده که حق حاکمیت خود را اعمال کند و همین عمل از طرف دول دیگر به علل و در موارد مختلفی بدون این که با اعتراض دیگران مواجه شود انجام شده است.

خود دولت انگلیس صنایع ذغال سنگ و پولاد آن کشور را ملی کرده است. هیچ دولت و یا سازمان بین المللی نسبت به این عمل اعتراض نکرده است اعتراض به این حق و اختیار اصلا وارد نیست و معنا ندارد.

آقای صالح علاوه کرد که دولت انگلیس از امتیازنامه مخدوش و بی اعتبار 1933 استفاده کرده و با مداخله در اجرای قوانین حق حاکمیت ایران را پایمال کرده است.

قرارداد 1933 بین دولت ایران و شرکت سابق نفت امضاء شده بود در این قرارداد هیچ گونه ذکری از حقوق و یا صلاحیت دولت انگلیس نشده است. دولت ایران به موجب این قرارداد خود را طرف معامله با دولت انگلیس نمی داند. قرارداد به اصطلاح 1933 هیچ گونه حقی به شخص و یا دولت دیگری اعطا نکرده که در خصوص مسائلی که صرفا در حدود صلاحیت دولت ایران است دخالت و با اعمال نفوذ کند.

مداخله غیرقانونی دولت انگلیس را می توان به چند نوع تقسیم کرد:

آن ها سعی کرده اند عدم رضایت مردم را فراهم کرده و با تحریکات خود مردم را به اعتصاب وادارند.

آن ها کوشش کرده اند که با بکاربردن کشتی های جنگی و نیروی نظامی و هوایی موجبات ترس و تزلزل روحیه مردم ایران را فراهم کنند:

1. آنها تلاش نموده اند با سوء تعبیر اثرات قرارداد استثماری واستعماری 1933 اقدام ایران در مورد ملی کردن صنعت نفت خود را به منزله نقض قرارداد 1933 جلوه داده اند.

2. آنها کوشیده اند مسأله غیر عادلانه را به دیوان داوری بین المللی احاله نمایند.

3. آنها خواسته اند با وارد نمودن دادگاهی که به خوبی می دانستند حتی قبل از استماع توضیحات ایران نیز صلاحیت رسیدگی به این مسأله به خصوص را ندارد، به هر ترتیب از دیوان دادگستری بین المللی استفاده نمایند.

دیوان دادگستری لاهه بدون توجه به افکار عمومی بدون این که از طرفین دعوی پرسشهایی بعمل آورد، حاضر شد خود را به این مسأله آلوده کند.

جای هیچ گونه شک و تردیدی نیست که دادگاه می بایست قبل از این که در خصوص صلاحیت خود از روی وجدان و حق قضاوت کند با طرفین دعوی تماس کامل گرفته راجع به صحت شکایتی که در دستور دادگاه قرار داده شده بود اطلاعات کافی به دست آورد تا بدین وسیله به بزرگترین حق حاکمیت یک دولت و ملت و همچنین به وجهه و شهرت دادگاه، لطمه وارد نیاید.

این نمونه ای از قضاوت دیوان دادگستری بین المللی است که مسلماً بسیاری از دولت ها را به حیرت انداخته است.

دولت ایران به موجب قوانین بین المللی در 3 ژوئیه 1951 نامه ای به دبیرخانه سازمان ملل متحد ارسال داشته و ضمن آن خاطرنشان ساخت که مداخله دادگاه در مسأله نفت ایران بی اعتبار است چون خارج از شرایطی است که در اعلامیه مورخ 12 اکتبر 1930 ایران در خصوص قبول رأی اجباری دادگاه بین المللی مندرج است.

آقای صالح سپس اظهار داشت نماینده انگلیس در شورای امنیت گفت که ایران رأی دادگاه را نقض کرده علاوه براین که مداخله دادگاه ضمانت اجرائی ندارد در مورد مسأله نفت ایران وارد نیست باید تذکر بدهم که در اختلاف بین ایران و شرکت سابق، دولت انگلیس بدون این که حق دخالت داشته باشد با احاله این مسأله به مراجع قضائی و قانونی اصول منشور ملل متحد را به کلی نقض نموده است.

در ادوار مختلف تاریخ ثابت شده که ایران به قوانین بین المللی احترام می کند و سعی دارد که وظایف و تعهداتی که وظیفه هر عضو سازمان ملل متحد و یا سازمان های دیگر بین المللی است انجام دهد.

ایران به مساعی خود دایر بر کمک و همکاری با سازمان ملل ادامه خواهد داد و در این مورد به خصوص که به حق حاکمیت آن لطمه وارد می شود از سازمان ملل متحد کمک و استمداد می طلبد.

ایران امیدوار است که روزی قوانین بین المللی و سازمان های بین المللی متدرجاً به مرحله تکامل رسیده و موفق شوند که از حقوق کلیه ملل ضعیف حمایت کنند.

متأسفانه این موضوع هنوز جز خیالی بیش نیست و دولت انگلیس با پشت پا زدن به اصول قوانین بین المللی توانسته است نظر دیوان دادرسی را نسبت به مسأله نفت ایران جلب کند.

آن دولت به این اقدامات خلاف قانون خود قناعت نکرده و اکنون سعی دارد که رأی بی اعتبار دادگاه را در شورای امنیت علیه ایران سند قرار دهد و انتظار دارد که شوری نیز از این مساعی غیرقانونی و رأی مخدوش پشتیبانی و حمایت کند.

درهرحال عدم صلاحیت شورای امنیت در رسیدگی به شکایت انگلستان برای هیچ کس پوشیده نیست.

صرف نظراز بند 7 ماده دو منشور ملل متحد شورای امنیت قادر نیست طبق امیال و آرزوهای انگلستان رفتار کرده و تصمیمی در خصوص این مسأله اتخاذ کند چون دادگاه بین المللی تصمیم نهائی خود را نسبت به اعلام نکرده است.

نماینده ایران سپس خاطرنشان کرد رسیدگی به این مسئله فقط در موقعی امکان داشت که رأی دیوان دادگستری درباره آن اعلام شده باشد و باید گفت که در آن موقع نیز شورا چون یک سازمان مستقلی است مجبور نمی باشد که به پیروی از تصمیمات دیوان دادگستری در مسأله ای که صرفا در حدود صلاحیت دولت های مستقل می باشد مداخله کند.

اظهارات نماینده انگلستان دایر بر این که اقدام اخیر ایران در مورد ملی کردن نفت خود صلح و امنیت جهانی را به مخاطره انداخته بی اساس است و باید برای تشریح این اتهامات موضوع گرگ و میش را مثل زد.

باید جداً گفت که فقط انگلستان با اقدامات خود صلح و امنیت بین المللی را به خطر می اندازد. ایران رزم ناو در رودخانه تیمز مستقر نکرده. دولت انگلیس تاکنون با اعزام چتر باز و کشتی جنگی به نواحی مجاور ایران ما را تحت تهدید و ارباب قرار داده است، اگر همان طوری که قبلا گفتیم انگلستان دست از این تاکتیک های تهدیدآمیز بردارد احتمال نمی رود که خطری متوجه صلح و امنیت جهانی بشود و واقعا جای تعجب است که چگونه دولت انگلیس حاضر می شود این حقیقت مسلم را این طور در شورا جلوه دهد. نماینده ایران سپس تاریخ مناسبت سیاسی بین ایران و انگلیس را مورد بحث قرار داده گفت:

نماینده انگلیس از این که ما سیاست دولت او را **امپریالیستی** می خوانیم معترض است. ایران ترجیح می داد که در این خصوص سکوت کند به شرط این که آن ها باب این فصل را مفتوح نمی کردند. آقای صالح گفت:

در حال حاضر نمی توانم قبل از این که درباره سیاست اقتصادی انگلیس در ایران جزئیاتی بگویم کتاب **امپریالیسم انگلستان** را ببندم.

بحث ما از سال 1872 و امتیازنامه رویتر شروع می شود. در این موقع انگلستان اقداماتی انجام داد که ایران را از لحاظ اقتصادی تحت نفوذ خود در آورد.

در سال 1901 امتیازی به یکی دیگر از اتباع انگلیس به نام ویلیام نوکس داری اعطا شد. در این امتیاز به وی اجازه داده شده بود که برای مدت 6 سال در تمام نقاط ایران به غیر از 5 ایالت شمالی به بهره برداری نفت مشغول شود.

شرکت نفت انگلوپرشن که بعداً به نام شرکت نفت ایران و انگلیس معروف شد، سعی زیاد به عمل آورد تا سال 1920 حق الامتیازی به دولت ایران بپردازد.

هنگامی که در سال 1930 قانون مالیات بر درآمد در ایران وضع شد شرکت سابق محصولات نفت را تقلیل داده و بیلان های غلط و نادرست و ساختگی در خصوص درآمد نفت به ایران ارائه داد تا دولت ایران را وادار به لغو امتیازنامه داری بکند.

دولت انگلیس موضوع لغو امتیازنامه داری را به شورای ملل مطرح نمود و در عین حال ایران را با قطع روابط و ارسال ناوهای جنگی به خلیج فارس تهدید می کرد.

قرارداد 1933 در سایه تهدیدات سرنیزه و توپ های ناوگان جنگی جانشین مقابله نامه داری گردید.

## ادامه دارد